



روز تجدید بیعت امام با امام

با توجه به شهادت امام حسن عسکری(ع) در روز هشتم ربیع الاول سال 260 هجری، فرزند ایشان و آخرین ولی خدا که موعود جهانیان معرفی شده است، در روز نهم ربیع الاول به امامت رسید.

با توجه به شهادت امام حسن عسکری(ع) در روز هشتم ربیع الاول سال 260 هجری، فرزند ایشان و آخرین ولی خدا که موعود جهانیان، معارف، شده است، در روز نهم ربیع الاول، به امامت رسید.

به مناسبت این روز گفت وگویی با حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی ربانی، رئیس پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی داشته ایم که در ادامه آن را می خوانید. حجت الاسلام ربانی دارای مدرک سطح چهار دوره تخصصی کلام و فلسفه در حوزه و فعال در حوزه های پژوهشی نظیر آسیب شناسی تاریخی مهدویت، بررسی تاریخی جریان های مدعی، بررسی تطبیقی مهدویت در فرق و مذاهب و دعا و ادعیه در مباحث مربوط به مهدویت است. از وی تاکنون آثاری همچون بنای تقوا، انوار بیان و مدعیان مهدویت در دوران معاصر به چاپ رسیده است.

نهم ربیع الاول سالروز اولین روز امامت امام زمان(ع) است. با توجه به این که از این روز فرخنده تلقی یک عید می شود، تعبیر خود را از جایگاه این روز در فرهنگ شیعه بیان بفرمایید.

برای شیعه که در حال حاضر در عصر غیبت به سر می برد، نهم ربیع الاول دارای اهمیت بالایی است. هشتم ربیع الاول روز شهادت امام حسن عسکری(ع) است و بعد از آن مطابق با دلایل محکمی که شیعه به آنها استناد می کند امامت حضرت حجت(ع) آغاز می شود. نهم ربیع الاول جایگاه ویژه ای برای شیعه دارد و توجه ویژه ای هم باید به آن داشت؛ چرا که این روز طلوع وعده های الهی بیان شده در قرآن و در بیانات ائمه طاهریین(ع) و نجات بخشی است که همه ادیان و مذاهب مختلف بر آن تأکید دارند. از همین روی آغاز این واقعه مهم، یعنی به امامت رسیدن آن موعودی که همه امم به آمدن آن وعده داده اند و هم انسانها انتظار آمدنش را می کشند باید یک روز استثنایی تلقی شود. چنان که قرآن می فرماید «و اشرقت الارض بنور ربها»، یعنی در آن دوران تمام زمین با نورانیت دین نورانی می شود و جاهلیت کفر و تاریکی انسان های جاهل و مستکبر از بین خواهد رفت. در آن زمان تمام دین در یک روشنائی برگرفته از حاکمیت دین و حاکمیت مؤمنان استقرار پیدا خواهد کرد.

با توجه به این که روز پانزدهم شعبان هم به حضرت ولی عصر(عج) اختصاص دارد، به نظر شما کارویژه خاصی که می تواند برای روز نهم ربیع الاول در نظر گرفته شود، چیست؟

باید گفت که بزرگداشت نهم ربیع الاول بیانگر ارتباط تنگاتنگ بین شیعه منتظر و امام است. شیعه منتظر در این روز بار دیگر با امام خود، با امامی که اعتقاد دارد زنده است و اکنون دارد در عرصه رهبری جامعه و رهبری دین فعالیت می کند، بیعت می کند. بنابراین توجه به این روز و در نظر داشتن مناسبت آن می تواند به مثابه تجدید بیعت فرد منتظر و امت با امام باشد.

لازم است با تکیه به این مناسبت بر این مساله تأکید شود که یک مسلمان شیعه منتظر باید پیوندی روزمره و هر لحظه ای با امام خود داشته باشد و شیعیان در این رابطه حساسیت بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر هم بایستی شیعیان نسبت به فعالیت های دشمنان و رفتارهایی که در قالب گروه های انحرافی و مدعیان فتنه گر اتفاق می افتد هوشیاری و تنبه لازم را پیدا کنند و به نوعی باید بر بحث دشمن شناسی تکیه شود.

روز نهم ربیع الاول با بعضی خرافات هم همراه شده است و در این روز گاه شاهد توهین هایی نسبت به دیگر مذاهب اسلامی بوده ایم و این یکی از آسیب هایی بوده که گاه صحنه اجتماع شیعه را آلوده کرده و زمینه ای برای اختلافات مذهبی فراهم کرده است. به نظر می رسد می توان از مناسبت آغاز امامت امام زمان(عج) برای پیراستن این آسیب کمک گرفت. نظر شما در این رابطه چیست؟

بله، همین طور است. در این رابطه خوب است که ما مقدماً به رسالتی که برای حضرت صاحب الزمان(ع) بیان شده است توجه کنیم. رسالت ایشان که نجات بخش همه امم معرفی شده اند در مرحله اول اضمحلال و نابود کردن تمام جلوه ها و حاکمیت های شرک و ظلم و ستم است و در مرحله بعد تحقق عدالت و حاکمیت دین و نور. اینها وعده های تخلف ناپذیر الهی و مأموریت های در نظر گرفته شده برای حضرت است. خب ظلم ستیزی ای همواره مورد توجه شیعه بوده است، در گذشته همراه با مناسبت آغاز امامت حضرت ولی عصر(عج) به شکل هایی بروز و ظهور داشته که آسیب زا بوده است و شما هم به آن اشاره کردید. ظلم ستیزی آن بعدی از مأموریت امام عصر است که می تواند در اینجا مورد توجه قرار گیرد و به نحوی مناسب مطرح شود.

این را هم باید توجه داشت که این مأموریت چیزی است که در فعالیت های سایر ائمه شیعه(ع) هم وجود داشته و این بزرگواران هم در طول حیات خویش همواره نسبت به معرفی عناصر و شاخص های ظلم و ائمه ظالمین و حرکت جامعه به سوی مبارزه با این عناصر اهتمام داشته اند. البته این مبارزه همواره با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان بوده است و لذا می بینیم در زمان حضور امامان شیعه نیز عده ای حرکت ها و قیام هایی را انجام می دادند، اما ائمه(ع) با آنها همراهی نمی کردند و حتی گاه به مخالفت با آنها می پرداختند؛ هر چند این مبارزه ها با نمادهای ظلم بوده و در تعریف ظلم ستیزی قرار می گرفته است. پس نتیجه می گیریم هر حرکتی هر چند ظاهر ظلم ستیزانه داشته باشد مورد تأیید نیست.

آنچه اکنون و در عصر غیبت هم باید به آن توجه شود و از آن طریق می توان از آسیب ها دوری گزید این است که حرکت های ظلم ستیز حتما باید در چارچوب قیادت عالمان دین و حجت های الهی انجام بگیرد و هر حرکتی براساس آرا و سلاقی شخصی و برداشت های جاهلانه و احساسی انجام شود غیرقابل پذیرش است؛ چرا که هزینه های زیادی را هم برای اسلام و هم برای تشیع به بار خواهد آورد و به دشمنان اجازه می دهد علیه شیعه دست به تبلیغات سوء بزنند. در مقابل این رویه ها ما باید به سمت انسجام بخشی به حرکت های صحیح دینی برویم و بر این مساله تأکید داشته باشیم. نمونه این مساله همین راهپیمایی ای است که در روز اربعین اتفاق می افتد و پیام های صریح و مشخصی را در رابطه با ظلم ستیزی و انسجام جریان حق و برائت از حرکت های نسنجیده و باطل، از جمله جریان پدید آمده توسط گروه های تکفیری و گروه هایی که مانع عزت و سربلندی مسلمانان هستند، القا می کند.

شما از تجدید بیعت با ولی عصر(عج) سخن گفتید. سؤالی که ممکن است اینجا برای برخی مطرح شود این است که امام زمان(ع) به عنوان یک امام غایب چه نقشی در زندگی انسان ها دارد و باور به او چه تأثیراتی می تواند در زندگی افراد داشته باشد؟

در این رابطه باید گفت امام شخصی است که رهبری دین و جامعه دینی را برعهده دارد. این نقشی است که امام زمان(عج) در همین دوران غیبت نیز دارد ایفا می کند و فقط منحصر به دوران ظهور ایشان نیست. ما در بیانی از وجود مقدس خود امام زمان داریم که ایشان می فرماید ما حافظ شما هستیم و لحظه ای شما را فراموش نمی کنیم و اگر این توجه نباشد امواج فتن و بلایا چنان شما را در بر می گیرد که چه بسا کل موجودیت افراد تهدید شود. بنابراین بر اساس عقاید ما امام زمان همین الان دارند مقابل حملات شدید دشمنان که لحظه به لحظه نیز در حال افزایش است و هم آموزه ها و باورهای دینی ما را و هم موجودیت مان را هدف گرفته است، از جبهه حق و عدالت و اسلام دفاع می کند و خطرات را با عنایات خویش دفع می نماید. این چیز نیست که ما مکرر از زبان اولیا و بزرگان دین هم شنیده و در انقلاب اسلامی هم به عینه شاهد آن بوده ایم و چه بسا اگر توجهات و عنایات حضرت نبود پیچیدگی توطئه ها و هجمه هایی که انجام می شود ویرانگر و بنیان برانداز شده بود.

یک بعد این توجه و عنایت هم همین بحث ولایت فقیه است که بنا به اعتقاد ما رهیافت و رهنمودی از جانب امام زمان(عج) است و به واسطه آن در زمان غیبت حجت هایی به عنوان رهبر دینی هدایت جامعه را از نزدیک در دست می گیرند و به عنوان عالمان دینی که مورد تأیید امام زمان(عج) هستند قیادت حرکت های دینی را عهده دار می شوند. این مورد هم از جمله برکات وجود امام زمان(عج) است که ما اثرات و ثمرات آن را در زندگی خود به شکل آشکار می بینیم.

همچنین این باور اثراتی را در عرصه های مختلف فرهنگی به جا می گذارد. ارتباط عاطفی با امام زمان شاید در این رابطه اولین تأثیر باشد. بر این اساس افراد به واسطه پیوند عاطفی ای که با امام خود دارند به او اقتدا می کنند و با پیروی از او صبغه ای الهی می یابند. این فرد همچنین به دلیل این که منتظر تحقق یک حاکمیت دینی است طبعاً برای آن تلاش می کند و به واسطه باور به موجودیت امام زمان تلاشی مضاعف خواهد کرد و با توجه به چشم انداز روشنی که برای آینده دارد، نه مأیوس می شود و نه در مقابل سختی ها و مشکلات از پای می نشیند. نمونه این مساله هم باز همین انقلاب اسلامی است که خیلی افراد منتظر زمین خوردن آن بودند، اما بزرگان ما با باور به مهدویت و تحقق وعده های الهی و حتمی بودن آن، نه تنها سستی به خود راه ندادند، بلکه توانستند جامعه و مردم را هم به دنبال خودشان از عقبه های حساس عبور دهند.

همچنین باور به مهدویت تأثیرات فراوانی در عرصه خانواده و در عرصه تربیت دارد. اعتقاد به امامی که حی و ناظر اعمال اشخاص است، آثار فراوانی را در جامعه به جا می گذارد و جامعه را به سمت شکل خاصی از معرفت و رفتار سوق می دهد که هر کدام در جای خود قابل بررسی است. این معرفت و رفتار و جمیع جوانبی که اشاره شد و البته عنایت امام زمان همچنین موجب در امان ماندن از فتنه های آخرازمان است که از جمله آنها همین گروه های تکفیری هستند که شاهد فعالیت آنها هستیم.

گویا این گروه ها نیز در زمینه مباحث مهدویت قابل توجه هستند!

بله، یکی از بزرگ ترین فتنه هایی که در این روزگار با آن مواجهیم استفاده یکسری از ناهلان از نشانه های ظهور است و گروه هایی سعی می کنند برخی مباحث را با یکسری مصادیق غلط تطبیق دهند. بنا به یک تحلیل ممکن است پشت پرده آنچه شاهد آن هستیم این باشد که دشمنان برای بهره برداری از یکسری انرژی ها و پتانسیل های جهان اسلام دارند به آموزه های مهدوی متمسک می شوند.

گروه و جریانی که به نام داعش دارد فعالیت می کند بسیاری از واژه هایی را که به خدمت گرفته و مصادره کرده است برگرفته از آموزه های مهدوی است، پرچمی که انتخاب کرده و رنگ آن پرچم و منطقه ای را که در عراق و شام برای اعلام خلافت برگزیده همه به نحوی ارتباطی با مباحث مهدویت دارد. اینها باید در جای خود مورد توجه قرار بگیرد اما با توجه به چنین رویدادهایی از منتظران فهیم درخواست می شود با حساسیت بیشتری با مراجعه به مراکز علمی و حوزوی نسبت به عمق بخشیدن به باورها و آموزه های مهدوی خود اقدام کنند تا مبدا در معرض سوء استفاده جریان های باطل فعلی و جریان هایی که ممکن است در آینده و تحت عناوین مختلف ظهور کنند، قرار بگیرند. باید توجه داشت مباحث حوزه مهدویت لغزنده و ظریف است و به تعبیری روی لبه تیز شمشیر حرکت کردن است و بر همین اساس لازم است مخاطبان نسبت به مباحثی که به نام مهدویت دارد مطرح می شود تا حدی با احتیاط و حتی تردید نگاه کنند؛ جز در مواردی که از طریق حبل متصل به ائمه جریان دارد. تنها در این موارد است که افراد می توانند به عنوان یک حجت به این مباحث توجه کنند.

سید مهدی موسوی / جام جم